

The Academy and Cultlinguia: The Two Wings of Linguistic and Cultural Excellence

Reza Pishghadam¹

Department of English, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Shima Ebrahimi

Department of Persian Language and Literature, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Received: 01 May 2021

Accepted: 16 December 2021

Abstract

The Academy of Persian Language and Literature is the regulatory body for preserving the Persian language and its orthography, trying to protect the Persian language from fragmentation and possible related dangers. As the name implies, the Academy of Persian Language and Literature is expected to focus on culture and identity as well. Notwithstanding this expectation, the goals, duties and performance of the academy suggest that its main focus is on its lexical and linguistic functions. It goes without saying that culture and language are inextricably linked; therefore, when you speak of language, you cannot overlook the role of culture. The present paper introduces the new concept of cultlinguia, meaning an arena for displaying cultulings (the culture within the language). Along with the academy, cultlinguia can play an effective role. The academy appears to have a top-down, power-oriented, prescriptive, monophonic, and word-centered approach, with a strong focus on the form of the word than the meaning. Consequently, people may not be interested in using these words as they become evolved in such words. Cultlinguia, in contrast, follows a bottom-up approach, which is people-oriented, descriptive, polyphonic and culture-oriented, meaning that all people within the society can constructively contribute to it. Additionally, cultlinguia tries to achieve the culture hidden in the language by focusing on cultulings and paves the way for cultural excellence by replacing defective cultural memes. Through this, people become more involved in cultulings and the views of the majority of people are taken into account when it comes to make a decision. This should be noted that the academy and the cultlinguia act like two wings for the linguistic and cultural excellence of the given society and they can complement each other and meaningfully contribute to linguistic and cultural planning.

Keywords: Acadmey; Cultuling; Cultlinguia; Cultural Gene; Euculturation

1. Corresponding Author. Email: pishghadam@um.ac.ir

فرهنگستان و زبانهنگستان: دو بال تعالی زبانی و فرهنگی

رضا پیش قدم* (گروه زبان انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

شیمای ابراهیمی (گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

چکیده

فرهنگستان زبان و ادب فارسی پاسداری از زبان و خط را بر عهده دارد و تلاش می‌کند آن را از تشّت و آسیب‌های احتمالی حفظ کند. با توجّه به نام فرهنگستان انتظار می‌رود این نهاد به بررسی فرهنگ و هویت نیز پردازد؛ اما بررسی اهداف، وظایف و عملکرد آن نشان می‌دهد که عمده تمرکزش بر روی نقش واژگانی و زبانی است. پرواضح است که با توجّه به رابطه تنگاتنگ زبان و فرهنگ، نمی‌توان از زبان سخن گفت و به فرهنگ توجّه چندانی نداشت. از این رو، در این مطالعه، مفهومی به نام «زبانهنگستان» به معنای عرصه‌ای برای نمایش «زبانهنگ‌ها» معرفی می‌شود که می‌توان آن را در کنار فرهنگستان مؤثر دانست. به نظر می‌رسد فرهنگستان بیشتر رویکردی بالا به پایین، قدرت‌محور، تجویزی، تک‌صدایی و واژه‌محور دارد که بر صورت کلمات بیش از معنا تأکید می‌کند. در چنین شرایطی، واژگان مصوّب تنها در سطح «برون‌آگاهی» افراد باقی می‌مانند و آنان تمایل چندانی به استفاده از این واژگان در کلام ندارند. در حالی که در زبانهنگستان، رویکرد پایین به بالا، مردم‌محور، توصیفی، چندصدایی و فرهنگ‌محور است و هر یک از افراد در جامعه، نقش مهم و مشارکتی دارند. زبانهنگستان تلاش دارد با تأکید بر زبانهنگ‌ها به فرهنگ مستتر در زبان دست یافته و با جایگزینی ژن‌های معیوب فرهنگی در راه تعالی فرهنگ گام بردارد. از این منظر می‌توان ادعا کرد، افراد نسبت به زبانهنگ‌ها «درون‌آگاهی» پیدا می‌کنند و نظر اکثر آحاد جامعه در

* نویسنده مسئول pishghadam@um.ac.ir

تصمیم‌سازی لحاظ می‌شود. باید توجه داشت فرهنگستان و زبانهنگستان مانند دو بال تعالی زبانی و فرهنگی یک جامعه هستند که می‌توانند مکمل هم عمل کرده و به برنامه‌ریزی زبانی و فرهنگی کمک شایان توجهی نمایند.

کلیدواژه‌ها: فرهنگستان، زبانهنگ، زبانهنگستان، ژن فرهنگی، تعالی فرهنگی

۱. مقدمه

اهمیت زبان فارسی به‌عنوان یکی از ارکان هویتی ایرانیان بر کسی پوشیده نیست و همواره افراد و سازمان‌های گوناگون در جهت حفظ، تقویت و گسترش زبان و خط فارسی تلاش‌های بسیاری کرده‌اند. یکی از نهادهایی که به‌عنوان اصلی‌ترین مکان برنامه‌ریزی زبانی^۱ شناخته شده، فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. «فرهنگستان» معادل واژه فرانسوی آکادمی (ACADÉMIE) و مشابهات آن در زبان‌های دیگر مانند آلمانی (Akademic) و انگلیسی (Academy) است (روح‌بخشان، ۱۳۷۸) که اندیشه تأسیس آن پس از انقلاب مشروطیت شکل گرفت. در آن سال‌ها مجامعی به‌عنوان انجمن‌های ادبی تشکیل شد که شاعران و ادیبان جهت بحث‌های ادبی گرد هم می‌آمدند. در ادامه، وزارت فرهنگ جهت تأسیس سازمانی برای جلوگیری هرج‌ومرج زبانی در خردادماه سال ۱۳۱۴ اساسنامه فرهنگستان را به تصویب هیأت دولت رساند که تا سال ۱۳۲۰ فعالیت داشت و پس از مدتی به تعطیلی کشانده شد. در سال ۱۳۴۹ فرهنگستان ایران با روشی تازه که تلاش می‌کرد جوانب زبان‌شناسی را مد نظر قرار دهد، آغاز به کار کرد (هنر و مردم، ۱۳۵۱، ص. ۱۱).

پس از آن شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه‌های ۲۰۸ و ۲۰۹، مورخ ۱۳۶۸/۱۰/۲۶ و ۱۳۶۸/۱۱/۲۴ به‌منظور ایجاد هماهنگی در فعالیت‌های مراکز فرهنگی و پژوهشی در حوزه زبان و ادب فارسی و سامان‌دهی آنها، اساسنامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی را به تصویب رساند. بر اساس این اساسنامه، از جمله اهداف فرهنگستان زبان و ادب فارسی، حفظ قوت و اصالت زبان فارسی، پروراندن زبانی مہذب و رسا برای بیان اندیشه‌های علمی و ادبی، رواج و گسترش زبان و ادب

فارسی در داخل و خارج از کشور، ایجاد نشاط و بالندگی در زبان فارسی به تناسب مقتضیات زمان و زندگی و پیشرفت علوم و فنون بشری با حفظ اصالت آن است. افزون‌براین، وظایفی همچون سازمان دادن به فعالیت‌های ناظر به حفظ میراث زبانی و ادبی فارسی، تأسیس واحدهای واژه‌سازی و واژه‌گزینی، نظارت بر واژه‌سازی و معادل‌یابی، کمک به معرفی و نشر میراث زبانی و ادبی فارسی، اهتمام در حفظ فرهنگ‌های علمی و مردمی، سازمان دادن دستاوردهای پژوهشی در حوزه زبان و ادب فارسی، معرفی محققان، ادبا و خدمتگزاران زبان فارسی، بررسی و تصویب نتایج فعالیت‌های مراکز پژوهشی و فرهنگی که برای تهذیب و اصلاح یا توسعه و تقویت زبان فارسی مفید شمرده می‌شوند، برای این مرکز تعریف شده است^۱؛ اما باید به این مهم توجه داشت که برنامه‌ریزی زبانی تلاشی آگاهانه در جهت تأثیرگذاری بیشتر اهل زبان از منظر زبان‌آموزی، ساختار زبان و کارکردهای زبانی است (کوپر^۲، ۱۹۸۹) و زبان فراتر از صرف انتقال اطلاعات است که از بُعد فرهنگی ارتباط ناگسستنی با عادات، رفتارها و به‌صورت کلی هویت افراد یک جامعه دارد. از این منظر، تنها سیاست‌گذاری زبانی^۳ کفایت نمی‌کند و واکاوی دقیق عبارات زبانی به منظور دسترسی به فرهنگ و تفکر نهفته افراد یک جامعه نقش مهمی در حفظ اصالت آن دارد. براین اساس، مفهومی به نام «زبان‌نگ»^۴ (فرهنگ در زبان)، حائز اهمیت است.

زبان‌نگ ترکیبی از دو واژه «زبان» و «فرهنگ» است که به دنبال کشف ژن‌های فرهنگی^۵ است و عبارت است از ساختارها و عناصر زبانی که فرهنگ را در خود جای داده‌اند و از دل آنها می‌توان عادات، آداب و رسوم و باورهای مردم یک جامعه را شناسایی کرد (پیش‌قدم، ۱۳۹۱). از سوی دیگر، افراد از طریق اجتماعی شدن زبانی^۶ از کودکی تا بزرگسالی همواره در حال یادگیری نکات فرهنگی مستتر در زبان

۱. برگرفته از <https://apll.ir/%d8%af%d8%b1%d8%a8%d8%a7%d8%b1%d9%87>

2. Cooper
3. language policy
4. cultuling
5. cultural meme
6. language socialization

هستند. در حقیقت، از طریق یادگیری زبان به‌مرور زمان فرهنگ شخص تغییر می‌کند و هر چه او بیشتر زبان را یاد می‌گیرد، فرهنگ، ارزش‌هایش و چگونگی استفاده از آن تغییر می‌کند. از این حیث، می‌توان گفت یادگیری زبان می‌تواند باعث تغییر هویتی و فرهنگی فرد شود و این تغییرات می‌تواند در راستای «به‌فرهنگی»^۱ و یا «بدفرهنگی»^۲ زبانی باشد.

باید توجه داشت که یکی از نکات مهم در مورد زبانهنگ‌ها و اکاوی و چگونگی یادگیری و انتقال آنها در سطح جامعه است. در این پژوهش، «زبانهنگستان»^۳ به مفهوم عرصه‌ای برای نمایش زبانهنگ‌ها به کار رفته است و نگارندگان تلاش دارند تا ضمن معرفی این مفهوم، به اهمیت به‌کارگیری آن در کنار فرهنگستان زبان و ادب فارسی اشاره کنند و به بررسی تطبیقی این دو بپردازند.

۲. پیشینه پژوهش

۲.۱. فرهنگستان زبان و ادب فارسی و پژوهش‌های مرتبط با آن

عملکرد فرهنگستان زبان و ادب فارسی در واژه‌سازی، واژه‌گزینی و معادل‌یابی برای واژگان بیگانه بارها از جانب پژوهشگران متعددی مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. به‌عنوان نمونه، کافی (۱۳۶۸) نشان داد که فرهنگستان در امر انتخاب برای واژه‌های ریاضی چندان موفق نبوده و دلیل آن توجه فرهنگستان به حذف واژه‌های عربی است. در پژوهشی دیگر شرفی (۱۳۷۹) به بررسی جایگاه برخی از واژگان مصوب فرهنگستان در میان مردم جامعه پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان داد که مردم با اکثر این واژگان آشنایی دارند، اما آنها را به کار نمی‌برند. مجد (۱۳۸۷) به نقد چهل واژه ترجمه‌شده فرهنگستان زبان و ادب فارسی پرداخت و اذعان داشت که واژه‌های ساخته‌شده در فرهنگستان دارای معایبی همچون نامفهوم بودن ترجمه، افراط در استفاده از ترجمه تحت‌اللفظی، حذف‌های بدون علت، رعایت نکردن

1. euculturation
2. disculturation
3. cultulingua

دستور زبان فارسی، رعایت نکردن ذوق در واژه‌سازی و ترجمه واژگانی که نیاز به ترجمه ندارد، هستند.

کتابی، عقیلی و ابوالحسنی (۱۳۸۹) نیز به بررسی میزان مقبولیت و شفافیّت شماری از پرکاربردترین واژه‌های عمومی مصوّب فرهنگستان با توجه به متغیّر جنسیت پرداختند و نتایج حاصل از پژوهش آنان نشان داد که میزان مقبولیت و شفافیّت واژگان مصوّب این نهاد در خانم‌ها بیشتر از آقایان است، اما این مقدار نیز چشم‌گیر نیست. درخشان (۱۳۹۲) نیز معتقد است میل و رغبت دانشگاهیان به سمت استفاده از واژگان بیگانه بیشتر از واژگان پیشنهادی فرهنگستان است و واژه‌های مصوّب فرهنگستان از اقبال چندان زیادی برخوردار نیستند.

مؤمنی و فخّارزاده (۱۳۹۵) با بررسی فرایندهای معادل‌یابی در حوزه رایانه و فناوری اطلاعات و پذیرش این معادل‌ها در کتاب‌های آموزشی مربوطه بدین نتیجه دست یافتند که میزان پذیرش مطلق معادل‌های مصوّب فرهنگستان در این حوزه کمتر از یک‌سوم واژگان و میزان پذیرش نسبی واژگان مصوّب بسیار کم است، اما بیش از نیمی از معادل‌های مصوّب حتّی یک بار نیز در این کتب به کار نرفته‌اند. دهقان‌زاده و همکاران (۱۳۹۷) معتقدند فرهنگستان برای انتخاب واژگان، مبنای برای واژه‌های رایج مورد استفاده عموم قرار داده است، اما ذکر نکرده که کدام تخصّص‌ها اولویّت و اهمیّت بیشتری دارند. براین اساس، نابسامانی و تکثر اصطلاحات و معادل‌های ضدونقیض در فرهنگ‌های تخصّصی نمایان است که فرهنگستان می‌تواند به معیارسازی آنان پردازد.

در پژوهشی دیگر، پیش‌قدم و فیروزیان پوراصفهانی (۱۳۹۸) با بررسی کمی و کیفی «وزن فرهنگی»^۱ (کاربرد، بسامد و نوع حس و هیجان نسبت به واژه در سطح فرهنگ و جامعه) شش واژه مصوّب فرهنگستان و معادل‌های آنها پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد تعیین وزن فرهنگی واژه مصوّب و معادل آن تأثیر به‌سزایی در

1. cultural weight

پذیرش واژگانی دارد و چنانچه وزن فرهنگی واژه مصوب بیشتر از واژه بیگانه باشد، امکان کاربرد آن در سطح جامعه بالاتر است.

احمدی نسب (۱۳۹۸) وضعیت نشریات حوزه پزشکی در به‌کارگیری واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی را بر اساس فرهنگ هزارواژه پزشکی بررسی کرد. نتایج نشان داد که نشریات موردنظر به رعایت و استفاده از واژه‌های مصوب هزارواژه پزشکی فرهنگستان زبان و ادب فارسی توجهی نداشته‌اند و تمایل آنان بیشتر به استفاده از اصطلاحات غیرفارسی است که این امر نشان‌دهنده عدم موفقیت فرهنگستان زبان و ادب فارسی در ترویج مصوبات این نهاد در جامعه پزشکی کشور ایران است.

آنچه از بررسی پژوهش‌های انجام‌شده برمی‌آید این است که عمده فعالیت فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تلاش برای حفظ واژگان است که در برخی موارد موفق بوده و در برخی موارد دیگر عموم مردم آن واژگان را نپذیرفته‌اند و به استعمال واژگان بیگانه نسبت به واژگان مصوب تمایل بیشتری نشان داده‌اند. پیش‌قدم و فیروزیان پوراصفهانی (۱۳۹۶)، دلایل احتمالی این تمایل را به «هیجامد»^۱ واژگان نسبت می‌دهند. هیجامد به هیجانات ناشی از حواس اشاره می‌کند که تحت تأثیر بسامد واژگان قرار دارند و چنانچه فرهنگستان بخواهد واژه‌ای را در بین افراد یک جامعه متداول کند، باید در راستای «هیجامدافزایی واژگانی» گام بردارد.

۲.۲. زیاهنگ و پژوهش‌های مرتبط با آن

پیش‌قدم (۱۳۹۱) معتقد است «فرهنگ به‌عنوان زیرساخت فکری هر کشور می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری روساخت‌های علمی و معنوی آن شود» (ص. ۴۸). از این رو، باورهای فکری درست و نادرست را می‌توان به فرهنگ یک جامعه نسبت داد که می‌تواند زمینه رشد و تعالی یا نابسامانی اجتماعی را به دنبال داشته باشد. با توجه به این مهم، وی با الهام از تفکرات پیازنه^۲ (۱۹۵۹، ۱۹۵۳) که زبان را محصول

1. emotioncy

2. Piaget

فرعی توانایی فکری بشر می‌داند و ویگوتسکی^۱ (۱۹۸۶، ۱۹۷۸) که معتقد است تفکر رابطه تنگاتنگی با تولید زبان دارد و همچنین همسو با نظرات هالییدی^۲ (۱۹۴۴، ۱۹۷۵) و فرضیه «سپیر-ورف»^۳ (۱۹۵۶) که همگی بر رابطه دوسویه زبان و فرهنگ صحنه می‌گذارند، مفهوم «زبان‌نگ» را برای نخستین بار در سال ۱۳۹۱ به‌عنوان ابزاری تحول‌گرا برای تغییر و تدبیر فرهنگی معرفی کرده است. بر اساس این مفهوم، وی بر این باور است که زبان محصول تعاملات، باورها و رفتارهای موجود در فرهنگ است (پیش‌قدم و قهاری، ۲۰۱۲). از این‌رو، با واکاوی در عبارات زبانی مصطلح و رایج زبان می‌توان به کالبدشناسی فرهنگی آن نیز پرداخت. شایان یادآوری است، با پیدا کردن زبان‌نگی که از دل یک جمله به دست می‌آید نمی‌توان فرهنگ یک کشور را مشخص نمود؛ بلکه لازم است عبارات متعدد زبانی به همراه زبان‌نگ‌های مرتبط با آن مدنظر قرار گیرند تا فرهنگ غالب در آن کشور مشخص شود؛ بنابراین، یک فرهنگ می‌تواند متشکل از چند زبان‌نگ باشد که ماورای آن «فرازبان‌نگ»^۴ است. این فرازبان‌نگ‌ها نقش مدیریت زبان‌نگ‌ها را بر عهده دارند و تصویر دقیق‌تری از الگوهای فرهنگی ارائه می‌دهند (پیش‌قدم، ۱۳۹۱). به‌عنوان نمونه، فرازبان‌نگ جمع‌گرایی می‌تواند متشکل از چند زبان‌نگ مانند ناز، قسم، دعا و غیره باشد که به‌صورت عبارات زبانی متداول و پرکاربرد بارها در مکالمات شفاهی، اشعار، مثل‌ها و ... به کار می‌روند (نمودار ۱).

پروژه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

-
1. Vygotsky
 2. Halliday
 3. Sapir-Whorf hypothesis
 4. metacultuling



نمودار ۱. شمای کلی ارتباط میان زبان و فرهنگ (پیش قدم، ۱۳۹۱)

با معرفی مفهوم زبانهنگ، پژوهش‌های زیادی براساس این مفهوم صورت گرفته است. به‌عنوان مثال، پیش‌قدم و عطّاران (۱۳۹۲) با واکاوی مکالمه‌های ۱۰۰ فیلم فارسی و انگلیسی، زبانهنگ «قسم» را به لحاظ ابعاد جامعه‌شناختی و مذهبی مدنظر قرار دادند. نتایج نشان داد استفاده از این زبانهنگ در فیلم‌های فارسی با تنوع بیشتری نسبت به فیلم‌های انگلیسی به کار رفته است و ایرانیان در مکالمات خود بیشتر از قسم استفاده می‌کنند که می‌توان آن را نشان از عدم اعتماد، ناباوری میان افراد جامعه نسبت به یکدیگر، کم‌رنگ شدن اعتقادات مذهبی ایرانیان و تأییدی بر فرهنگ جمع‌گرای ایرانیان دانست. زبانهنگ «نفرین» توسط پیش‌قدم، وحیدنیا و فیروزیان پوراصفهانی (۱۳۹۳) در ۲۰۰ فیلم فارسی و انگلیسی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفت. نتایج نشان داد که نفرین در زبان فارسی از بسامد بالایی برخوردار است؛ به‌طوری‌که تبدیل به بخشی از مکالمات روزمره ایرانیان شده است. این در حالی است که انگلیسی‌زبانان به علت صراحت در گفتار و فردگرایی، در بافت‌های مشابه به‌جای استفاده از نفرین، از فحش و ناسزا استفاده کرده‌اند. آنان استفاده زیاد از زبانهنگ نفرین را به فرهنگ مصلحت‌اندیشی و تجربه‌گرایی نسبت می‌دهند و آن را

بازتابی از کم‌رنگ‌شدن اعتقادات مذهبی مردم ایران در نظر می‌گیرند. در پژوهشی مشابه، پیش‌قدم و وحیدنیا (۱۳۹۴)، زبانهنگ «دعا» را در ۱۶۸ فیلم فارسی و انگلیسی مورد بررسی قرار دادند و ارزیابی آنان نشان داد دعا و مشتقات آن نیز همانند قسم، در فیلم‌های فارسی بیشتر از فیلم‌های انگلیسی کاربرد دارد که می‌تواند مهر تأییدی بر سیستم ارزش‌گذارانه آنها، فرهنگ قدرشناسی ایرانیان، اعتقادات مذهبی و تمایل به جمع‌گرایی باشد.

یکی دیگر از کاربردهای زبانهنگ، بررسی کارکردهای گوناگون القاب با بسامد بالا در جامعه است. در این راستا، پیش‌قدم و نوروزکرمانشاهی (۱۳۹۴) با بررسی ۳۰۰ گفتمان فارسی، لقب «حاجی» و واژگان مرتبط با آن را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که بافت ارزشی و مذهبی این واژه دچار تغییر شده و ذهنیت افراد نیز نسبت به آن تغییر کرده است که می‌توان آن را نشانی از کم‌رنگ شدن بُعد مذهبی افراد جامعه و اعتقادات آنان نسبت به این واژه دانست.

با بررسی گفتمان‌های مربوط به یک زبانهنگ می‌توان به الگوهای فرهنگی مستتر در آن جامعه به‌خوبی دست یافت. پیش‌قدم و عطّاران (۱۳۹۵) با گفتمان‌شناسی «قسمت» در فرهنگ ایران، زبانهنگ «جبرگرایی» را معرفی کردند و نشان دادند رابطه مستقیمی میان سن و اعتقاد به جبر و تقدیرگرایی وجود دارد. بدین‌معناکه افراد کهن‌سال و میان‌سال اعتقاد زیادی به تقدیرگرایی دارند و قسمت را در کارهای خود دخیل می‌دانند؛ درحالی‌که جوانان و افراد تحصیل‌کرده اعتقاد کم‌تری به آن دارند و قدرت اراده را بیشتر از تقدیر می‌دانند؛ بنابراین، میان تقدیرگرایی و میزان تحصیلات افراد در جامعه ایران، رابطه‌ای معکوس وجود دارد.

به‌منظور بررسی انگیزه نهفته در کاربرد زیاد واژه «نمی‌دانم» در زبان فارسی، پیش‌قدم و فیروزیان پوراصفهانی (۱۳۹۶) به بررسی این زبانهنگ پرداختند و نشان دادند این زبانهنگ با اهدافی همچون رعایت ملاحظات منزلت اجتماعی، پایبندی به اصول ادب و حفظ وجهه مخاطب به کار می‌رود و می‌توان آن را نشان‌دهنده فرهنگ غیرمستقیم‌گویی، عدم اطمینان، اجتناب از تعهد و کاهش بار مسئولیت در میان

ایرانیان دانست. همچنین، واژه «ناز» و مشتقات مربوط به آن توسط پیش‌قدم، فیروزیان پوراصفهانی و طباطبائی فارانی (۱۳۹۶) بررسی شده است و کاربرد زیاد این واژه در فرهنگ ایران را می‌توان دال بر فرهنگ جمع‌گرایی و همچنین فرهنگ غیرمستقیم‌گویی و تعارف در جامعه ایرانی دانست که چون در این فرهنگ اغلب مسأله فردیت افراد نادیده گرفته می‌شود، آنان تلاش می‌کنند از طریق نازکردن به جلب توجه و جبران این خلأ بپردازند.

پیش‌قدم و ابراهیمی (۲۰۲۰) در کتابی با عنوان *زبانهنگ: رویکردی نوین در بررسی ژن‌های فرهنگی ایرانیان* به بررسی زبانهنگ‌های گوناگون شامل زبانهنگ‌های قضاوت‌گریزی، حریم‌شکنی، آینده‌نگری، غیرت، صراحت‌گریزی، اعتمادسازی، هویت‌بخشی، اغراق و مذهب‌گرایی با هدف شناسایی ژن‌های فرهنگی ایرانیان و تشخیص ژن‌های سالم و ناسالم پرداختند. آنان افزون بر این زبانهنگ‌ها، پاره‌ای از الگوهای فرهنگی ایرانیان را مورد واکاوی قرار دادند.

در پژوهشی دیگر، گفتمان‌های پُرسامد مرتبط با زبانهنگ‌های «مرگ‌محوری» و «شادی‌گریزی» توسط پیش‌قدم، فیروزیان پوراصفهانی و فیروزیان پوراصفهانی (۱۳۹۹) مدنظر قرار گرفت و نتایج نشان داد زبانهنگ‌های مرگ‌اندیشی و مرگ‌طلب بودن، مُرده‌پرستی، غم‌ستایی و شادی‌گریزی در میان فارسی‌زبانان جایگاه مهمی دارد؛ درحالی‌که استفاده از عبارت زبانی زنده‌بودن و زندگی و ساخت‌های مختلف از آن بسامد کمتری دارد. آنان در پژوهشی دیگر (۱۳۹۹) زبانهنگ‌های «شرم‌محوری» و «گناه‌محوری» را با استفاده از الگوی «هایمز» مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های پژوهش آنان نشان داد که زبانهنگ شرم‌محوری در ایران بسامد بالاتری نسبت به زبانهنگ گناه‌محوری دارد که این نیز نشان‌دهنده روحیه جمع‌گرای ایرانیان و اهمیت دادن آنان به نظرات و قضاوت‌های دیگران است.

پیش‌قدم و همکاران (۱۳۹۹) به واکاوی زبانهنگ «مثبت‌نگری» در ضرب‌المثل‌های زبان فارسی پرداختند. نتایج نشان داد که اهداف به‌کارگیری این زبانهنگ پند و نصیحت، دعوت به شادی، اغراق و بزرگ‌نمایی، تشویق به همکاری، دعا برای

مخاطب، پایبندی به عقاید مذهبی، ترغیب به صبر و شکرگزاری هستند. در پژوهشی دیگر زبانهنگ «ناسزا» در *رمان دایی جان ناپلئون با توجه به ترجمه انگلیسی آن* توسط مهربابی و محمودی بختیاری (۱۳۹۹) مورد بررسی قرار گرفته است. آنان دریافتند هدف از کاربرد این زبانهنگ تحقیر، ترحم از نوع منفی، طعنه، پرخاش، عصبانیت، آرزو و تمنای منفی است. از جمله زبانهنگ‌های دیگری که مورد بررسی قرار گرفته است، زبانهنگ «مدرک‌ستایی» است. پوریزدان‌پناه کرمانی (۱۳۹۹) نشان داد که این زبانهنگ با اهدافی مانند کسب علم، رقابت، کسب جایگاه اجتماعی بالا، مورد احترام قرار گرفتن از سوی دیگران و سهولت در امر ازدواج کاربرد فراوانی در جامعه فارسی‌زبان دارد. زبانهنگ «بلاتکلیف‌شدگی» نیز توسط پیش‌قدم و ابراهیمی (۱۳۹۹) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که ایرانیان به اهداف متفاوتی مانند نازکردن و خجالت، نشان دادن عدم اطمینان، پرهیز از ابراز نظر به‌صورت مستقیم، مسئولیت‌گریزی، اجتناب از اعلام نظر مخالف، نیافتن پاسخی مشخص برای تصمیم، دفاع از خود، نشان دادن گرفتاری ذهنی، دوری از استرس و نگرانی، نداشتن اطلاعات کافی و عدم آگاهی، جلوگیری از سوءتفاهم و تعارف از این زبانهنگ استفاده می‌کنند. در پژوهشی دیگر پیش‌قدم، درخشان و جنتی عطایی (۱۳۹۹) زبانهنگ‌های «مردسالاری» و «زن‌سالاری» را در فرهنگ ایران مورد مذاقه قرار دادند. یافته‌های پژوهش نشان داد که فرهنگ ایرانی به‌تدریج از فرهنگ مردسالارانه به سمت زن‌سالارانه در حرکت است؛ بنابراین دهه ۶۰ مهد مردسالاری و دهه ۹۰ مهد زن‌سالاری در ایران است. شایان یادآوری است درخشان (۱۳۹۹) به بررسی تطبیقی مطالعات انجام‌شده در حوزه زبانهنگ پرداخته و مروری اجمالی بر تمامی این آثار داشته است. وی خاطر نشان می‌سازد مطالعات اندکی در مورد واکاوی زبانهنگ‌های متنی صورت گرفته و پژوهشگران می‌توانند افزون بر بررسی مکالمات شفاهی در قالب زبانهنگ، زبانهنگ‌های کتاب‌های درسی را نیز مدنظر قرار دهند. پیش‌قدم، درخشان و ابراهیمی (۲۰۲۱) نیز به بررسی زبانهنگ ارزش‌کاهی در فرهنگ ایرانیان پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان داد افراد هنگامی که نسبت به خودشان احساس

بی‌ارزشی داشته باشند، با اهداف گوناگون مانند تحقیر، تخریب، حسدورزی، تخلیه خشم و... سعی می‌کنند تلاش‌ها، دستاوردها و موفقیت‌های دیگران را با عبارات زبانی خاصی بی‌ارزش جلوه دهند. همچنین پُرنسنگ بودن این زبانهنگ نشان از فرهنگ «غیرمستقیم‌گویی» و «صراحت‌گریزی» ایرانیان است. به‌طورکلی، آنچه در همه این پژوهش‌ها حائز اهمیت می‌باشد، این است که بررسی زبانهنگ‌ها و جایگاه آنان در پاره‌گفتارهای روزمره افراد یک جامعه به شناسایی عادات فرهنگی و زبانی مردم و مهندسی زبانی آن جامعه کمک می‌کند.

۳.۲. توانش زبانهنگی^۱

به نظر می‌رسد از جمله موارد مهم در شکست گفتمانی و یا برقراری ارتباط، «فرهنگ» است؛ یعنی فرد تسلط کافی بر فرهنگ خود و مخاطبش ندارد و فرهنگ مکالمه را کشف نکرده است. باید توجه داشت همه افراد توانایی یکسانی در کشف فرهنگ خود و دیگری ندارند. در این راستا، به نظر می‌رسد یکی از ابزارهای مؤثر در شناسایی فرهنگ، زبانهنگ باشد و فرد باید «توانش زبانهنگی» لازم برای شناسایی و کشف زبانهنگ‌های جوامع مختلف را داشته باشد. شایان یادآوری است عواملی مانند خانواده، محیط جغرافیایی و طبقه اجتماعی که افراد در آن زندگی می‌کنند، در توانش زبانهنگی آنان مؤثر است. افزون بر این، نقش تفاوت نسل‌ها را نمی‌توان در توانش زبانهنگی نادیده گرفت؛ زیرا مقولاتی مانند جهانی‌شدن، گسترش شهرنشینی و ظهور تکنولوژی‌های جدید اطلاعات و ارتباطات موجب شده است مردم با دنیای متفاوتی مواجه شوند. در این میان نسل جدید که بهره بیشتری از فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌برند، بیشترین تأثیر را از این جریان می‌پذیرند و این تأثیر پیامدهایی مانند کم شدن ارتباط میان افراد خانواده، فردیت‌گرایی، کاهش تعامل و سلیقه مشترک و در نهایت ظهور تفاوت‌های نسلی شده است. تفاوت نسلی نیز تغییر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی را با خود به دنبال داشته است (فتحی و مطلق،

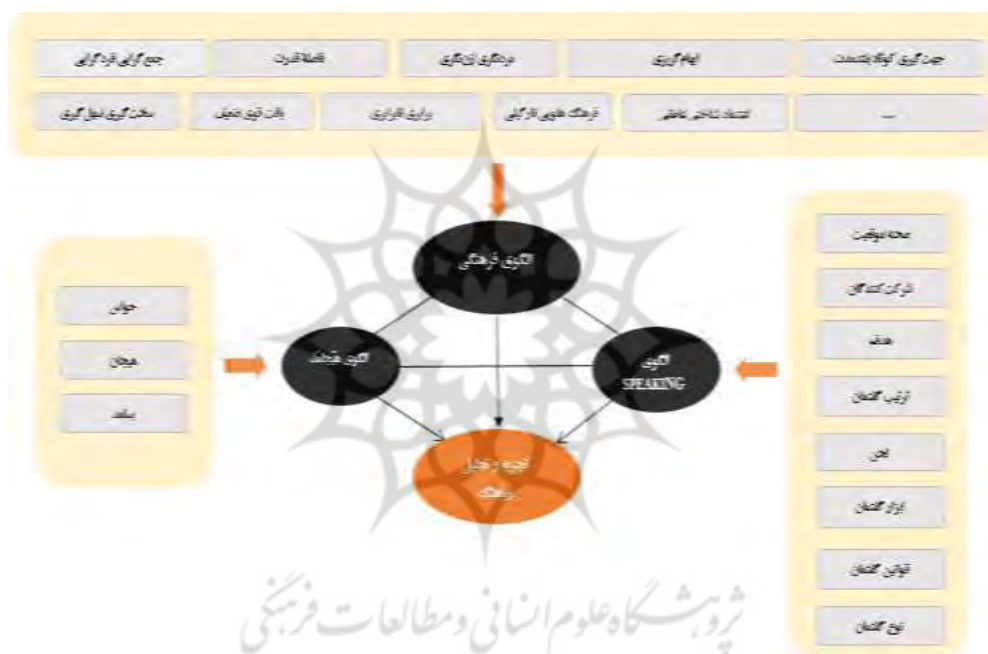
(۱۳۹۰). با تغییر ارزش‌ها و فرهنگ‌ها، در زبانهنگ‌های موجود میان دو نسل قدیم و جدید نیز تفاوت به وجود آمده است؛ چراکه در برخی موارد به دلیل کنار هم قرار گرفتن دو نسل سنتی و تجدیدگرا پدیده «دوگانگی زبانهنگی» به وجود می‌آید؛ به‌گونه‌ای که این دو نسل توانش کم‌تری در درک و دریافت زبانهنگ‌های یکدیگر دارند. از سوی دیگر، امروزه در بیشتر خانواده‌ها پدیده فرزندسالاری حاکم شده است که در آن فرزند خانواده برای دستیابی به اهداف و خواسته‌های خود نسبت به سایر اعضا حتی پدر و مادر تسلط کافی دارد که از جمله پیامدهای اجتماعی ظهور این پدیده تهدید ارزش‌ها و سنت‌های مفید جامعه است (بافکار، ۱۳۹۰). در واقع، در جامعه فرزندسالار بزرگ‌ترها در برابر خواسته‌های نسل جدید تسلیم‌شده و حتی فرهنگ و باورهای خود را زیر پا می‌گذارند که این امر موجب کم‌رمق شدن زن‌های فرهنگی مفید شده است و پرواضح است که زن کم‌رمق توانایی تولید، تکثیر و پرورش نسل را نخواهد داشت. در نتیجه زن‌های معیوب که حاصل آشنایی و تعامل بی‌حدومرز با فرهنگ‌های بیگانه است، بر زن‌های مفید و ارزشمند که دارای اصالت فرهنگی بوده و لازمه حفظ و بقای جامعه هستند غلبه می‌یابد و به تدریج نسل جدید از فرهنگ اصیلی که از نسل‌های گذشته به میراث رسیده است دور می‌شوند. گاهی این روند آن‌قدر ادامه می‌یابد تا اینکه نسل جدید در برابر ارزش‌های فرهنگی نسل قدیم جبهه گرفته و آن را نمی‌پذیرند و زبانهنگ‌های نامناسب و مخرب را جایگزین آن می‌کنند. از این‌رو، به منظور پیشگیری از مرگ زن‌های فرهنگی سالم، می‌توان از طریق زبانهنگ‌هایی که بر زبان افراد جامعه جاری می‌شود به نوع تفکر، احساس، هیجان و فرهنگ آنان رخنه کرد و فرهنگ‌های سالم را در جامعه ترویج نمود.

۲. ۴. الگوی مفهومی تحلیل زبانهنگ^۱

پیش‌قدم، ابراهیمی و درخشان (۲۰۲۰) افزون بر بررسی کلام با توجه به بافت اجتماعی و فرهنگی آن، جایگاه تفکر، هیجان‌ات و حواس را در بررسی زبانهنگ‌ها

1. conceptual model of cultuling analysis (CLA)

حائز اهمیت می‌دانند و با در نظر گرفتن عوامل محیطی، فرهنگی، هیجان‌حسی^۱ و تفاوت‌های زبانی و با هدف شناسایی الگوهای فرهنگی و همچنین کشف الگوهای مؤثر و مضر و به تبع آن فرهنگ‌سازی در آن جوامع، «الگوی مفهومی تحلیل زبانهنگ» را طراحی کرده‌اند. این الگو با تلفیق و در کنار هم قرار گرفتن سه الگوی SPEAKING هایمز^۲ (۱۹۶۷)، الگوهای فرهنگی^۳ و الگوی هیجامد^۴، شکل گرفته و چکیده تصویری آن در نمودار (۲) قابل مشاهده است.



نمودار ۲. الگوی مفهومی تحلیل زبانهنگ، پیش‌قدم، ابراهیمی و درخشان (۲۰۲۰)

هایمز (۱۹۷۲) با مطرح کردن نظریه «توانش ارتباطی»^۵ معتقد است تسلط بر یک زبان، فراتر از یادگیری صرف واژگان و قواعد دستوری آن است و افراد در

1. emo-sensory
2. Hymes
3. cultural models
4. emotioncy model
5. communicative competence

گفتمان‌های خود باید تشخیص دهند که یک صورت زبانی تا چه میزان متناسب با یک بافت اجتماعی است. با در نظر گرفتن نقش ارتباطات و تعاملات اجتماعی از طریق زبان، وی ۸ مجموعه را که به اختصار SPEAKING نامیده است، برای یک مکالمه حائز اهمیت می‌داند؛ بنابراین، برای تحلیل دقیق زیاهنگ‌ها عواملی مانند صحنه^۱ (محیط و موقعیت فیزیکی)، شرکت‌کنندگان^۲ (افراد درگیر یک مکالمه)، هدف^۳ استفاده از آن، ترتیب گفتمان^۴ (نظم و ترتیب گفته)، لحن^۵ گفته، ابزار گفتمان^۶ (کاربرد گفتاری یا نوشتاری زیاهنگ) قوانین گفتمان^۷ (قواعد استاندارد اجتماعی فرهنگی در تعاملات فردی و بینافردی حاکم بر یک مکالمه)، نوع گفتمان (انواع گوناگون مانند شعر، نثر، مثل، معما، سخنرانی و...) حائز اهمیت هستند. افزون بر این مؤلفه‌ها، توجه به الگوهای فرهنگی در بررسی زیاهنگ‌ها اطلاعات مناسبی در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد.

پیش‌قدم، ابراهیمی و درخشان (۲۰۲۰) معتقدند میزان رویارویی با یک موضوع (بسامد)، میزان درگیری حواس و نوع هیجان ایجاد شده بر اساس حواس درگیر شده در تحلیل زیاهنگ‌ها اهمیت دارند؛ بنابراین، هیجامد نیز باید در تحلیل زیاهنگ مدنظر قرار بگیرد. پیش‌قدم و ابراهیمی (۲۰۲۰، صص. ۳۴-۳۵) اذعان دارند زیاهنگ‌ها از منظر بسامد هیجانی و در بُعد اجتماعی هیجامد، می‌توانند دارای سطوح مختلفی از هیجامد به شرح ذیل باشند:

آن دسته از زیاهنگ‌ها که در قدیم موجود بوده‌اند، اما امروزه به کار نمی‌روند و حتی ممکن است امروزه کسی نداند چیستند، زیاهنگ «هیچ‌آگاهی»^۸ نام دارند. دسته دیگر زیاهنگ‌ها که فقط در متون دیده می‌شوند و امروزه در مکالمات کاربرد ندارند،

-
1. scene
 2. participants
 3. end
 4. act sequence
 5. key
 6. instrumentalities
 7. norms of interaction and interpretation
 8. avolved cultuling

زبانهنگ «برون آگاهی»^۱ هستند. آن عباراتی که از قدیم تا به امروز موجود بوده و توسط افراد جامعه به وفور استفاده می‌شوند، زبانهنگ «درون آگاهی»^۲ نام دارند و زبانهنگ «فرا آگاهی»^۳ به عباراتی اشاره دارد که توسط افرادی که در جامعه قدرت نفوذ زیادی دارند یا تولیدکننده زبانهنگ هستند (مانند نویسندگان، هنرپیشه‌ها، کارگردانان، تهیه‌کنندگان و...) تولید می‌گردند و پس از مدتی در میان مردم به صورت ویروسی رایج و مصطلح می‌شوند.

به طور کلی با توجه به تعاریف و کارکردهای هر یک از این مؤلفه‌ها، به نظر می‌رسد با قرار گرفتن مجموعه این عوامل در کنار یکدیگر می‌توان تصویر دقیق و روشن تری از فرهنگ یک ملت و عبارات زبانی که به کار می‌برند، ارائه کرد، به کالبدشکافی زبانی^۴ زبانهنگ‌ها دست یافت و از طریق آنان نگرش و تفکر ایرانیان راجع به این واژگان ارزشی را ارزیابی و تحلیل کرد. باید توجه داشت در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی زبانی، توجه به همه زبانهنگ‌ها اعم از هیچ آگاهی، برون آگاهی، درون آگاهی و فرا آگاهی اهمیت دارد و نمی‌توان فقط به آنهایی توجه داشت که در جامعه کنونی پرکاربرد هستند. آنچه از فرهنگستان زبان و ادب فارسی انتظار می‌رود، آن است که علت کم‌رنگ شدن یا ناپدید شدن برخی از واژگانی که در گذشته پربسامد بودند نیز، واکاوی شود.

۲.۵. اجتماعی شدن از طریق زبان و زبانهنگ

همان‌گونه که بیان شد، تأثیر زبان و فرهنگ بر تفکر افراد را نمی‌توان نادیده انگاشت و می‌توان گفت اجتماعی شدن از طریق زبان از جمله ملزومات اساسی در فرایندهای اندیشیدن، عمل کردن و گفتگو در فضاهاى فرهنگى گوناگون است که بر اساس آن فرد دانش تولید و تفسیر زبان را به دست می‌آورد (روحله و تیواری^۵،

1. exvolved cultuling
2. involved cultuling
3. metavolved cultuling
4. anatomist of language
5. Ruhela & Tiwari

(۲۰۱۳). این مقوله در مراحل رشد زبانی کودکان نیز نمود دارد. اینگرام^۱ (۱۹۹۶) معتقد است از آنجا که زبان از فرهنگ متأثر می‌شود و بر فرهنگ نیز تأثیر می‌گذارد، کودک با توجه به محیطی که در آن رشد می‌کند، زبان و فرهنگ خاص آن محیط را نیز فرا می‌گیرد و از این طریق به برقراری ارتباط با افراد جامعه می‌پردازد. او همچنین اندوخته‌های زبانی و فرهنگی خود را به نسل آینده منتقل می‌کند؛ بنابراین رابطه مستقیمی میان حفظ جوامع گوناگون و نحوه استفاده زبان در ساخت اجتماعی وجود دارد (برنشتاین^۲، ۱۹۶۱)؛ برای مثال کودک در مراحل اولیه رشد قادر است کلمات با هجاهای کوتاه مانند آب، بابا، ماما و غیره را بیان کند، اما به تدریج که در معرض محیط‌های اجتماعی چون خانواده و مدرسه و گروه دوستان قرار می‌گیرد و توانایی برقراری ارتباط با افراد آن را به دست می‌آورد، از زیاهنگ‌ها در گفتمان خود استفاده می‌کند. از این رو می‌توان گفت توانش زیاهنگی کودک به شدت تحت تأثیر محیط اطراف اوست؛ چنانچه در محیط اطراف او ژن‌های سالم فرهنگی حاکم باشد، زیاهنگ‌های رایج در آن محیط نیز مطلوب خواهد بود و کودک آن زیاهنگ‌ها را فرا گرفته و به کار می‌برد. این امر موجب به‌فرهنگی زبانی در جامعه می‌شود، اما اگر ژن‌های ناسالم و معیوب فرهنگی بر جامعه‌ای که کودک در آن رشد می‌کند سلطه داشته باشند، او نیز همان ژن‌های معیوب را جذب می‌کند و بدفرهنگی زبانی در آن جامعه شکل می‌گیرد. در چنین جوامعی میان زیاهنگ‌های نسل قدیم و جدید دوگانگی و تعارض به وجود می‌آید و با توجه به آنکه ویروس‌های مخرب به خیل عظیمی از نسل جوان این جامعه تزریق شده است، آنان زیاهنگ‌های مطلوبی که از پیشینیان برای آنان به میراث رسیده را خلاف افکار و عقاید خویش می‌یابند؛ پس آنها را تخریب و تقبیح می‌کنند و زیاهنگ‌هایی که به وسیله ژن‌های معیوب پرورش یافته را به‌وفور در گفتار روزمره خود به کار می‌برند (نمودار ۳).

1. Ingram
2. Bernstein



نمودار ۳. تغییر فرهنگی از طریق زبان

به طور کلی با توجه به نمودار (۳)، نوع زبانگ‌های رایج در گفتمان گویشوران هر جامعه در تغییرات زبانی-فرهنگی آن جامعه مؤثر است؛ بنابراین شایسته است کنشگران محیط اجتماعی کودک اعم از اعضای خانواده و مربیان و معلمان مدارس، در به‌کارگیری زبانگ‌ها حساسیت بیشتری داشته باشند و از به‌کارگیری زبانگ‌هایی که ترویج‌کننده فرهنگ نادرست در جامعه است پرهیز نمایند؛ زیرا بر اساس اصل پروانه‌ای^۱ نظریه آشوب کوچک‌ترین تغییر می‌تواند خیل عظیمی از تغییرات را ایجاد کند (پیش‌قدم، طباطبائی و ناوری، ۱۳۹۲). از این رو ممکن است به کار بردن یک زبانگ نادرست موجب ترویج بسیاری از رذیلت‌های اخلاقی و فرهنگی در جامعه شود که این امر خود اهمیت بررسی زبانگ‌ها را روشن می‌سازد.

۳. یافته‌های پژوهش

۳.۱. بررسی تطبیقی فرهنگستان و زبانگستان

بر اساس آنچه از نام فرهنگستان برمی‌آید، انتظار می‌رود که این واژه بر مکانی برای بررسی فرهنگ دلالت داشته باشد؛ اما آنچه در وظایف، اهداف و عملکرد آن

1. the butterfly effect

مشهود است، به نظر می‌رسد حجم اصلی کار را بر دوش زبان نهاده و معیارسازی زبانی و واژگانی را بر عهده دارد؛ بنابراین بُعد زبانی آن پُررنگ‌تر است (زبانستان) و بخش فرهنگ در آن تا حدی به فراموشی سپرده شده است. زبانهنگستان در جبران این خلأ، می‌تواند به‌عنوان عرصه‌ای برای نمایش فرهنگ ایرانیان در زبان در نظر گرفته شود. باید توجه داشت، صرف واژه‌سازی و جایگزینی واژگان برای فرهنگ‌سازی استفاده از یک واژه کفایت نمی‌کند و برای فرهنگ‌سازی واژگانی و حفظ اصالت واژگان واکاوی ژن‌های فرهنگی-زبانی نیز حائز اهمیت است.

در مقایسه تطبیقی فرهنگستان و زبانهنگستان می‌توان گفت به نظر می‌رسد فرهنگستان در فرایند واژه‌سازی و ساختار سازمانی خود نگاهی بالا به پایین^۱ و قدرت‌محور دارد. در این نوع رویکرد، گفتمان تولیدی در پرتو قدرت صاحبان آن ایجاد می‌شود و فرهنگستان تلاش می‌کند تا عبارات و جملات زبان فارسی را به اجزای کوچک‌تر خود بشکند و آنان را در سطح جامعه متداول سازد. این نهاد معتقد است برای درک ساختار زبانی و حفظ زبان و ادب فارسی، باید واژگان را به‌عنوان واحد جزئی و اصلی زبان به‌خوبی شناخت؛ بنابراین، اغلب عمده تمرکز خود را بر روی واژگان می‌گذارد و بر این اساس در بیشتر مواقع واژه‌محور^۲ عمل می‌کند. درحالی‌که زبانهنگستان تلاش دارد رویکردی پایین به بالا^۳ (مردم‌محور) داشته باشد و معتقد است با واکاوی زبانهنگ‌های رایج یک زبان می‌توان به فرهنگ مستتر پشت عبارات زبانی به‌عنوان یک سیستم پیچیده دست یافت؛ بنابراین، هرگونه اطلاعاتی که در این مسیر برای فهم و درک زبانهنگ استفاده می‌شوند، در فرهنگ‌کاوی زبان اهمیت دارند و نگاه آن، فرهنگ‌محور^۴ است و تمرکز بر واژه و جزء نیست. پرواضح است که در نگاه بالا به پایین نمی‌توان اشراف کاملی بر مشکلات زبانی و فرهنگی مردم یک جامعه داشت و تنها کلیت زبان آن جامعه مهم است، اما در نگاه پایین به

1. top-down

2. lexical-based

3. bottom-up

4. culture-based

بالا کوچک‌ترین مواردی که در فرهنگ زبانی، به‌فرهنگی و ژن‌های معیوب تأثیرگذار هستند مدنظر قرار می‌گیرند و تلاش می‌شود گام‌های مؤثری برای اصلاح فرهنگی و عادات زبانی ناسالم برداشته شود؛ بدیهی است در چنین شرایطی، با آگاه‌سازی مردم آن جامعه می‌توان راحت‌تر نسبت به جایگزینی ژن‌های ناسالم با ژن‌های سالم اقدام کرد. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد فرهنگستان بر اساس برنامه‌ریزی‌های زبانی که انجام می‌دهد، از نظر طیف خاصی با تخصص و نگاهی خاص، معیارهای لازم برای حفظ و تقویت بنیه زبان فارسی تعیین و تجویز می‌کند و هدف آن تهذیب و اصلاح کلامی است؛ بنابراین، بیشتر رویکردی «تجویزی»^۱، «ارزشی» و «تک‌صدایی»^۲ دارد؛ مقابل، زبانهنگستان تلاش دارد سبک زندگی جاری افراد و مکالمات روزمره و واژگان پُربسامد آنان را که حاوی بار ارزشی هستند، مدنظر قرار دهد و از این جهت بیشتر «توصیفی»^۳ و «چندصدایی»^۴ است که نظر اکثر آحاد جامعه در تصمیم‌گیری لحاظ می‌شود و در این عرصه فقط متخصصان نیستند که چیزی را دیکته کنند. آنچه در فرهنگستان مدنظر قرار می‌گیرد، اغلب صورت‌های^۵ واژگانی است و به نظر می‌رسد معنا اهمیت چندانی ندارد. در واقع در فرهنگستان تلاش می‌شود برای واژگان بیگانه معادل‌سازی شود و در برخی مواقع حتی واژگان معادل‌سازی شده به لحاظ معنایی نامأنوس است و ممکن است توسط افراد جامعه پذیرفته نشود. این امر در حالی است که در زبانهنگستان بر زبانهنگ‌ها تأکید زیادی می‌شود و با بررسی و واکاوی آنان می‌توان اطلاعات ارزشمندی راجع به فرهنگ مستتر پشت عبارات زبانی دست یافت. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد اطلاعات افراد نسبت به برخی واژگان مصوب در فرهنگستان تنها در سطح برون‌آگاهی باقی می‌ماند و افراد یک جامعه تمایل چندانی به استفاده از آنان ندارند؛ بنابراین، آنان کمتر از این واژگان استفاده می‌کنند و گاهی ممکن است تنها این واژه‌ها را در کتاب‌ها و فرهنگ‌های لغت مشاهده کنند؛ اما در

1. prescriptive
2. monophony
3. descriptive
4. polyphony
5. form

زندگی و مکالمات روزمره‌شان کاربردی ندارد و نسبت به این کلمات دارای هیجان‌ات دور^۱ هستند؛ یعنی حتی شنیدن این واژگان هیجان چندانی برای آنان ایجاد نمی‌کند و خود از نزدیک آنها را تجربه نمی‌کنند (پیش‌قدم و ابراهیمی، ۲۰۲۰)؛ اما در زبانهنگستان از آنجایی که زبانهنگ‌ها به واکاوی عبارات زبانی پربسامد مردم یک جامعه می‌پردازند، نسبت به آنها درون‌آگاهی پیدا می‌کنند و این زبانهنگ‌ها نسل به نسل نیز منتقل می‌گردند؛ بنابراین، افراد نسبت به آنها دارای هیجان نزدیک^۲ هستند. باید توجه داشت که برای پذیرش واژگان و فرهنگ‌سازی و حفظ اصالت یک زبان داشتن نگاهی تک‌صدایی، یکسویه و تنها توجه به جنبه رسمی زبان و خط فارسی کفایت نمی‌کند و باید افراد جامعه را نیز در این مهم مشارکت داد که زبانهنگستان با دیدی مشارکتی، این امر را میسر می‌سازد. نگاه چندصدایی و به‌کارگیری ظرفیت اکثر آحاد جامعه باعث هم‌افزایی و هم‌دلی می‌شود و انگیزه مشارکت و فعالیت را نیز افزایش می‌دهد. با توجه به آنچه بیان شد، تفاوت زبانهنگستان و فرهنگستان را می‌توان در نمودار (۴) به تصویر کشید:



نمودار ۴. بررسی تطبیقی فرهنگستان و زبانهنگستان

1. distal emotions
2. proximal emotion

۴. بحث و نتیجه‌گیری

بیش از نیم‌قرن از فعالیت‌های فرهنگستان زبان و ادب فارسی می‌گذرد و این مکان به‌عنوان اصلی‌ترین سازمان برنامه‌ریزی زبانی برای حفظ و اصالت زبان و خط فارسی، واژه‌سازی و واژه‌گزینی در ایران به‌شمار می‌رود؛ بنابراین بررسی میزان و علل موفقیت یا عدم موفقیت اقدامات آن از اهمیت زیادی برخوردار است. جعفری و مقیمی (۱۳۹۳، ص. ۵۷) معتقدند: «فرهنگ، مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها، درک، استنباط، شیوه‌های تفکر و تصمیم‌گیری است که اعضای یک جامعه در آنها وجوه مشترک دارند» و چنانچه زبان فارسی به‌عنوان نهادی اجتماعی در نظر گرفته شود، فرهنگستان باید تعامل خود را دو محیط زبانی ادبی و محیط زبانی مردم عامه حفظ کند و در هر دو محیط فعال باشد؛ یعنی حفظ و اصالت یک زبان در گروی فرهنگ و بررسی ارزش‌های فرهنگی به‌عنوان سازنده اصلی هویت آن جامعه نیز است (پیش‌قدم و ابراهیمی، ۲۰۲۰).

افراد بسیاری بر این تصورند که انتخاب و وضع واژه‌های جدید در برابر واژه‌های بیگانه، وظیفه اصلی فرهنگستان است (صادقی، ۱۳۷۵)؛ اما باید توجه داشت که بر اساس اساسنامه مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی و بر اساس آنچه از نام این نهاد انتظار می‌رود (مکان فرهنگی)، این مرکز وظایف مهم دیگری نیز در حفظ اصالت، هویت و فرهنگ ایران دارد و انتظار می‌رود افزون بر بُعد زبانی، بُعد فرهنگی آن نیز پررنگ باشد؛ بنابراین، صرف نگاه ایستا و تجویزی، تأکید بر صورت و واژه‌محوری در بررسی فرهنگ زبانی و حفظ آن کفایت نمی‌کند و برای واکاوی مؤثر واژگان یک زبان باید نگاه بالا به پایین (قدرت‌محور) را تبدیل به نگاهی پایین به بالا (مردم‌محور) کرد. براین اساس، نگاه پویا و توصیفی، مشارکتی، معنامحور و فرهنگ‌محور می‌تواند مؤثرتر عمل کند و زبانهنگستان - به‌عنوان عرصه‌ای برای نمایش زبان و فرهنگ - می‌تواند در کنار فرهنگستان به غنای فرهنگی جامعه ایران کمک کند؛ بنابراین افزون بر واژه‌سازی و تلاش برای جایگزینی واژگان بیگانه و داشتن نگاهی صرفاً برون‌آگاه به کلمات باید تلاش نمود افراد را نسبت به عبارات زبانی پرسامد

درون‌آگاه کرد و آنان با کسب اطلاعات بیشتر به فرهنگ زبانی مستتر در این عبارات زبانی دست یابند. این‌گونه می‌توان از نگاهی تک‌صدایی و یک‌طرفه به دور بود و در کالبدشکافی فرهنگ زبان، گام‌های مؤثرتری برداشت.

با در نظر گرفتن اینکه به باور داوکینز^۱ (۱۹۸۹) فرهنگ مانند ژن^۲ قابلیت رشد و تکثیر از نسلی به نسل دیگر و همین‌طور قابلیت اصلاح و تغییر را دارد (آنگر^۳، ۲۰۰۲)، با واکاوی زبانهنگ‌های یک زبان و آگاه‌سازی افراد نسبت به آنان، می‌توان به جایگزینی ژن‌های معیوب فرهنگی با ژن‌های سالم اقدام نمود و راه را برای پذیرفتن واژگان جایگزین و تعالی فرهنگی هموارتر کرد. بیان این نکته حائز اهمیت است که نگاه ایستا و متعصبانه به فرهنگ و واژگان مرتبط آن، جامعه و فرهنگ را به رکود می‌کشاند و مانع از پویایی و پیشرفت آن می‌شود؛ در مقابل آن نگرش منعطف به فرهنگ منجر به آموزش مبتنی بر آزادی و عدالت می‌شود (نیتو^۴، ۲۰۱۰). تحلیل زبانهنگی پا را از سطح واژه فراتر می‌نهد و تلاش می‌کند ژن‌های فرهنگی را که از طریق زبان در قالب‌های متنوعی مانند محاوره، داستان، شعر و مثل‌ها، معماها و ... منتقل می‌شوند را بشناسد، افراد را نسبت به فرهنگ مستتر پشت این عبارات زبانی آگاه کند و پس از شناسایی ژن‌های معیوب فرهنگی، پیشنهادهایی برای مهندسی و تغییر آنها ارائه دهد. این امر افزون بر کمک‌رسانی شایان به برنامه‌ریزی زبان، امکان سنجش نگرش‌ها، احساس و رفتار زبانی طبقات مختلف مردم را نیز فراهم می‌آورد (پیش‌قدم، ابراهیمی، ناجی‌میدانی و درخشان، ۲۰۲۰).

همان‌گونه که گفته شد، زبانهنگ‌های هر زبان شیوه‌اندیشیدن و حتی زندگی کردن افراد را نشان می‌دهند. چنانچه هم‌راستا با نظر لینچ^۵ (۱۹۹۶)، ژن‌های فرهنگی را همانند ویروس‌هایی بدانیم که قابل سرایت هستند و از مقوله‌ای موسوم به سرایت

-
1. Dawkins
 2. Gene
 3. Aunger
 4. Nieto
 5. Lynch

تفکر^۱ سخن بگوئیم، برخی از ویژگی‌های زبانی و فرهنگی نسل به نسل منتقل می‌شوند و در سطح گسترده‌ای از جامعه منتشر می‌گردند؛ بنابراین، زبانهنگ‌ها قرار است نقش ویروس‌یاب را ایفا کنند و پیدا کردن زبانهنگ‌ها یعنی یافتن تفکرات زبانی غالب مردم آن جامعه راجع به آنها و یافتن اطلاعاتی راجع به ویروس‌ها؛ چنانچه ویروسی بد است، باید جلوی تکثیر آن گرفته شود و اگر خوب است، باید به نشر و بازنشر آن کمک کرد. گاه حال فرهنگی جامعه مساعد نیست و منشأ آن را نمی‌توان یافت. باید ویروس‌یابی کرد و در صورت لزوم مردم را با تزریق آگاهی واکسینه کرد و یکی از این راه‌ها، بررسی زبانهنگ‌های هر زبان و ارتقای میزان سواد و آگاهی افراد جامعه زبانی نسبت به این زبانهنگ‌هاست. زبان و هنجارهای زبانی، خلیقات، الگوها و هنجارهای یک جامعه به‌مرور زمان تکامل پیدا می‌کنند یا متحول می‌شوند (پیش‌قدم و ابراهیمی، ۲۰۲۰) و باید این مهم در برنامه‌ریزی‌های زبانی و فرهنگی جامعه مدنظر قرار گیرد؛ بنابراین، تعامل زبانهنگستان و فرهنگستان در کنار یکدیگر می‌تواند بسان دو بال تأثیرگذار برای غنا و رشد اصالت زبانی-فرهنگی جامعه ایران باشد و این دو نباید جدا از یکدیگر در نظر گرفته شوند. پیشنهاد می‌شود در فرهنگستان زبان و ادب فارسی بخش جداگانه‌ای برای زبانهنگ‌شناسی و شناسایی زبانهنگ‌های زبان فارسی در نظر گرفته شود. بی‌تردید زبانهنگ از حیطه‌های نوین و بکر پژوهش‌های میان‌رشته‌ای محسوب می‌شود که می‌تواند با رویکرد تلفیقی بستری مناسب برای حل مسائلی باشد که در حوزه‌های زبانی و فرهنگی لاینحل به نظر می‌رسند.

کتاب‌نامه

احمدی‌نسب، ف. (۱۳۹۸). بررسی و نقد وضعیت نشریات حوزه پزشکی در به‌کارگیری واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی بر اساس فرهنگ هزارواژه پزشکی. *ویژه‌نامه فرهنگستان*، ۲ و ۳، ۲۱۷-۲۴۴.

بافکار، ح. (۱۳۹۰). *پدیده فرزندسالاری و رسانه*. تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.

بی‌نا. (۱۳۵۱). فرهنگستان از آغاز تاکنون. *هنر و مردم*، ۱۱۴، ۲-۷.

1. thought contagion

- پوریزدان پناه کرمانی، فائزه. (۱۳۹۹). بررسی جامعه‌شناختی زیاهنگ مدرک‌ستایی و کاربرد گفتمانی آن در زبان فارسی. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۵۳(۴)، ۶۱-۹۶.
- پیش‌قدم، ر. (۱۳۹۱). معرفی «زیاهنگ» به‌عنوان ابزاری تحوّل‌گرا در فرهنگ‌کاوی زبان. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۴، ۴۷-۶۲.
- پیش‌قدم، ر. و ابراهیمی، ش. (۱۳۹۹). بررسی زیاهنگ «بلاتکلیف‌شدگی» با استفاده از عبارات تقابلی دوگانه در پرتو الگوی هایمز. *علم زبان*، ۱۲(۷)، ۳۲۷-۳۵۹.
- پیش‌قدم، ر. و عطّاران، آ. (۱۳۹۲). نگاهی جامعه‌شناختی به کنش گفتاری «قسم»: مقایسه زبان‌های فارسی و انگلیسی. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۴۶(۴)، ۲۵-۵۰.
- پیش‌قدم، ر. و فیروزیان پوراصفهانی، آ. (۱۳۹۶). تأملی جامعه‌شناختی پیرامون کاربردهای گفتمانی «نمی‌دانم» در زبان فارسی در پرتو الگو هایمز. *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۱۸(۳۷)، ۷-۳۵.
- پیش‌قدم، ر. و فیروزیان پوراصفهانی، آ. (۱۳۹۶). معرفی هیجامد به‌عنوان ابزاری مؤثر در پذیرش نوآژه‌های مصوّب فرهنگستان زبان و ادب فارسی. *جستارهای زبانی*، ۸(۵)، ۷۹-۱۰۵.
- پیش‌قدم، ر. و فیروزیان پوراصفهانی، آ. (۱۳۹۸). ارزیابی کمی و کیفی وزن فرهنگی شش واژه مصوّب فرهنگستان و متناظر بیگانه آنها در پرتو الگوی هیجامد. *ویژانه فرهنگستان*، ۲ و ۳، ۱۷۵-۲۰۰.
- پیش‌قدم، ر. و نوروزکرمانشاهی، پ. (۱۳۹۵). ارتباط میان زبان، مذهب و فرهنگ: تحقیق و تدقیق در کارکردهای لقب «حاجی» و واژه‌های وابسته در زبان فارسی. *زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء*، ۸(۲۰)، ۲۷-۵۱.
- پیش‌قدم، ر. و وحیدنیا، ف. (۱۳۹۴). کاربردهای «دعا» در فیلم‌های فارسی و انگلیسی در پرتو الگو هایمز. *جستارهای زبانی*، ۷(۲۸)، ۵۳-۷۲.
- پیش‌قدم، ر.، درخشان، ع. و جنتی عطایی، ا. (۱۳۹۹). واکاوی زیاهنگ مردسالاری و زن‌سالاری در فرهنگ ایرانی: مقایسه موردی فیلم‌های سینمایی ایران در دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۹۰. *زن در فرهنگ و هنر*، ۱۲(۱)، ۹۱-۱۱۵.
- پیش‌قدم، ر.، درخشان، ع.، ابراهیمی، ش. و جنتی عطایی، ا. (۱۳۹۹). واکاوی زیاهنگ «مثبت‌نگری» در ضرب‌المثل‌های زبان فارسی. *فرهنگ و ادبیات عامه*، ۸(۳۴)، ۲۱۷-۲۵۲.
- پیش‌قدم، ر.، طباطبائیان، م. س. و ناوری، ص. (۱۳۹۲). *تحلیل انتقادی و کاربردی نظریه‌های فراگیری زبان اول از پیدایش تا تکوین*. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.

پیش قدم، ر.، فیروزیان پوراصفهانی، آ. و فیروزیان پوراصفهانی، آ. (۱۳۹۹). معرفی زیاهنگ «مرگ محوری و شادی گریزی» از طریق تفحص در گفتمان‌شناسی «مرگ» در زبان فارسی. *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۲۱ (۴۹)، ۱۸۱-۲۰۶.

پیش قدم، ر.، فیروزیان پوراصفهانی، آ.، فیروزیان پوراصفهانی، آ. (۱۳۹۹). حاکمیت زیاهنگ شرم محوری یا گناه محوری در جامعه ایران؛ مورد مطالعه، شهر مشهد. *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۱۳ (۳)، ۹۵-۱۳۰. پیش قدم، ر.، فیروزیان پوراصفهانی، آ. و طباطبائی فارانی، س. (۱۳۹۶). واکاوی عبارت «ناز کردن» و ترکیب‌های حاصل از آن در زبان فارسی در پرتو الگو «هیجامد». *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۱۸ (۳۹)، ۶۷-۱۵۲.

پیش قدم، ر.، و عطاران، آ. (۱۳۹۵). گفتمان‌شناسی «قسمت» در زبان و فرهنگ مردم ایران. *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۱۷ (۳۵)، ۱۲۹-۱۴۹.

پیش قدم، ر.، و حیدنیا، ف. و فیروزیان پوراصفهانی، آ. (۱۳۹۳). نگاهی جامعه‌شناختی به کنش گفتاری «نفرین»: مقایسه زبان‌های فارسی و انگلیسی. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۴۷ (۲)، ۴۵-۷۲. جعفری، ت. و مقیمی، س. م. (۱۳۹۳). بررسی رابطه نگرش‌های فرهنگی و خلاقیت کارکنان. *مدیریت فرهنگ سازمانی*، ۱۲ (۳)، ۵۶۸-۵۶۹.

درخشان، ش. (۱۳۹۲). *بررسی و ارزیابی فعالیت‌های واژه‌گزینی فرهنگستان سوم زبان و ادب فارسی از نظر بخشی از دانشگاهیان دانشگاه شیراز (پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد)*، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

درخشان، ع. (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی مطالعات انجام شده در حوزه زیاهنگ. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۵۳ (۴)، ۱-۲۹.

دهقان‌زاده، ا.، احمدخانی، م. ر.، غیاثیان، م. س. و سمایی، س. م. (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی معادل‌های انگلیسی در فارسی: بررسی موردی واژه‌های مصوب فرهنگستان سوم از دیدگاه معیارسازی. *زبان و زبان‌شناسی*، ۲۶، ۸۹-۱۱۶.

روح‌بخشان، ع. (۱۳۷۸). فرهنگستان: داستان پیدایش. *نامه پارسی*، ۴ (۳)، ۴۷-۶۱.

شرفی، ا. (۱۳۷۹). *بررسی جایگاه برخی از معادل‌های فارسی پیشنهادی فرهنگستان زبان و ادب فارسی در بین مردم (پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد)*، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

صادقی، ع. ا. (۱۳۷۵). نقش فرهنگستان در برنامه‌ریزی برای زبان فارسی. *نامه فرهنگستان*، ۶، ۱۴۸-۱۶۱.

فتحی، س. و مطلق، م. (۱۳۹۰). جهانی شدن و فاصله نسلی (مطالعه جامعه‌شناختی فاصله نسلی: با تأکید بر فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات. *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۲(۵)، ۱۴۵-۱۷۷.

کافی، ع. (۱۳۶۸). بررسی واژه‌های ریاضی در فرهنگستان اول. *نشر دانش*، ۱۰(۱)، ۳۰۸-۳۱۸.
کتابی، س.، عقیلی، م. و ابوالحسنی، م. (۱۳۸۹). جنسیت و رابطه آن با مقبولیت و شفافیت واژگان نو: بررسی موردی واژگان عمومی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی. *زن در فرهنگ و هنر*، ۱(۳)، ۹۹-۱۰۸.

مجد، ا. (۱۳۸۷). نقد چهل لغت ترجمه شده فرهنگستان زبان فارسی. *پژوهش زبان و ادب فارسی*، ۱۳، ۸۷-۱۰۶.

مهرابی، م. و محمودی بختیاری، ب. (۱۳۹۹). زیاهنگ ناسزا در فارسی و معادل‌های ترجمه‌شده انگلیسی بر اساس الگوی هایمز: مطالعه موردی پیکره زبانی رمان دایی جان ناپلئون. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۴۵(۲)، ۳۱-۵۹.

مؤمنی، ش. و فخارزاده، م. (۱۳۹۵). فرایندهای معادل‌یابی فرهنگستان در حوزه رایانه و فن‌آوری اطلاعات و پذیرش معادل‌ها در کتب آموزشی. *ادب و زبان*، ۱۹(۳۹)، ۲۳۱-۲۵۱.

- Aunger, R. (2002). *The electric meme: A new theory about how we think*. New York: Simon and Schuster.
- Bernstein, B. (1961). Social structure language and learning. *Educational Research*, 3, 76-163.
- Cooper, R. L. (1989). *Language planning and social change*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Dawkins, R. (1989). *Mems: The new replicators, the selfish gene*. Oxford: Oxford University Press.
- Halliday, M. A. K. (1975). *Learning how to mean: Explorations in the development of language*. London, England: Edward Arnold.
- Halliday, M. A. K. (1994). *An introduction to systemic functional grammar (2nd ed.)*. London, England: Edward Arnold.
- Hymes, D. (1967). Models of interaction of language and social setting. *Journal of Social Issues*, 3(32), 8-28.
- Hymes, D. (1972). Models of the interaction of language and social life. In J. J. Gumperz & D., Hymes (Eds.), *Directions in sociolinguistics: The ethnography of communication* (pp. 35-71). New York, NY: Holt, Rinehart and Winston.
- Lynch, A. (1996). *Thought contagion: How belief spreads through society*. New York: Basic books.
- Nieto, S. (2010). *Language, culture, and teaching (2nd ed.)*. London: Routledge.

- Piaget, J. (1976). *Le langage et la pensée chez l'enfant*. Paris: Delachaux et Niestlé.
- Pishghadam, R., & Ebrahimi, S. (2020). *Cultuling: A novel approach to examine Iranian's cultural meme*. Washington, DC: Amazon Publications Inc.
- Pishghadam, R., & Ghahari, S. (2012). *Fundamental concepts in applied linguistics: A reference book*. Tehran: Rahnama.
- Pishghadam, R., Ebrahimi, S., & Derakhshan, A. (2020). Cultuling analysis: A new methodology for discovering cultural memes. *International Journal of Society, Culture, and Language*, 8(2), 17-34.
- Pishghadam, R., Ebrahimi, S., & Derakhshan, A. (2021). Cultuling analysis of "devaluation" in the Iranian Culture. *Language Related Research*, 12(5), 1-25.
- Pishghadam, R., Ebrahimi, S., Naji Meidani, E., & Derakhshan, A. (2020). An introduction to cultuling analysis (CLA) in light of variational pragmatics: A step towards "Euculturing". *Research in Applied Linguistics*, 8(2), 17-34.
- Ruhela, S. & Tiwari, P. (2013). A study of development of Language socialization in children of working and non-working mothers. *International Journal of Scientific and Research Publication*, 3(10), 1-4.
- Sapir, E., & Whorf, B. (1956). *Language, thought, and reality*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Vygotsky, L. (1978). *Mind in society*. Cambridge, MA: Presidents and Fellows of Harvard College.
- Vygotsky, L. (1986). *Thought and language*. Cambridge, MA: MIT Press.

درباره نویسندگان

رضا پیش قدم استاد پیوسته گروه زبان انگلیسی و استاد وابسته گروه روانشناسی تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد است. پژوهش‌های ایشان بیشتر در حوزه عصب‌روانشناسی آموزش زبان، زیاهنگ و جامعه‌شناسی زبان می‌باشد.

شیمای ابراهیمی استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی (گرایش آموزش زبان فارسی) دانشگاه فردوسی مشهد است. پژوهش‌های موردعلاقه وی بیشتر در حوزه روانشناسی آموزش زبان، آموزش زبان فارسی و جامعه‌شناسی زبان است.